



فهرست مطالب

- ۲..... بررسی آیه اذن گرفتن در اوقات ثلاثه
- ۲..... بحث سوم: اهل خانه مراد از «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»
- ۲..... بحث چهارم: بحثی در مصداقیت آیه شریفه برای بحث امر به امر
- ۳..... مدلول التزامی آیه، امر به امر
- ۳..... بحث پنجم: الزامی بودن یا ترجیحی بودن دو تکلیف فوق
- ۴..... الزامی بودن تکلیف متوجه به مؤمنین
- ۴..... تفصیل در تکلیف متوجه به ایمان و اطفال
- ۵..... مبانی در نوع تکالیف غیر الزامی متوجه به اطفال



بسم الله الرحمن الرحيم

## بررسی آیه اذن گرفتن در اوقات ثلاثه

بحث در بررسی آیات دال بر وظایف تعلیمی و تربیتی خانواده می‌باشد. در جلسه قبل آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» نور/۵۸ مطرح شد و به جهاتی از بحث در ذیل این آیه پرداخته شد.

### بحث سوم: اهل خانه مراد از «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد این است که هرچند خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» عام می‌باشد اما به قرائن و مناسبات حکم و موضوع مراد مؤمنین از حیث تعلق خانوادگی و ارتباط آن‌ها با خانواده‌شان یعنی پدر و مادر و ساکنان یک‌خانه می‌باشد.

### بحث چهارم: بحثی در مصداقیت آیه شریفه برای بحث امر به امر

سؤالی که در ذیل این آیه شریفه وجود دارد این است که آیا این آیه شریفه در مقام بیان تکلیف خانوادگی پدر و مادر است و یا در مقام بیان تکلیف فرزندان و اطفال و یا اینکه در مقام بیان هر دوی این‌هاست؟ به عبارتی دیگر آیا این آیه شریفه مصداقی از بحث امر به امر می‌باشد یا اینکه مصداقی از آن بحث نیست؟ در علم اصول بحثی وجود دارد به‌عنوان امر به امر، به‌عنوان مثال در برخی آیات و روایات مانند «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» طه/۱۳۲ مخاطب امر شده است که خانواده خود را به نماز خواندن امر کند، در این موارد قطعاً وظیفه مخاطب امر، امر کردن می‌باشد و بحثی در آن وجود ندارد، اما سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا مأمور دوم یعنی شخصی که مخاطب به آن امر می‌کند، وظیفه و تکلیف الزامی متوجه او می‌شود یا خیر؟ و به عبارتی آیا امر دوم مفید و خوب می‌باشد یا خیر؟ به نظر ما حق این است امر به امر، ظهور در وجوب دارد یعنی هم بر مأمور اول و هم بر مأمور دوم واجب



است که متعلق و مقتضای امر را اتیان کند مگر اینکه قرینه‌ای دال بر عدم وجوب امر نسبت به مأمور دوم وجود داشته باشد.

## مدلول التزامی آیه، امر به امر

اگر خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در آیه شریفه نبود امر [«يَسْتَأْذِنُكُمْ»] در آیه مستقیماً متوجه عبید، إماء و اطفال می‌شد و آیه مصداق امر به امر نبود و مدلول مطابقی آیه هم دلالت بر امر به امر نمی‌کرد اما از آنجاکه این امر بعد از خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آمده است، حاصل سخنان مفسرین نه عین کلماتشان، این است که این ترکیب در آیه به لحاظ علم معانی و بیان مفید امر به امر است و در واقع مراد از این ترکیب این است که مروهم بالاستیذان و یا ادبوههم بالاستیذان یعنی آن‌ها را امر کنید که در این اوقات ثلاثه اذن بگیرند و لذا هرچند این آیه به دلالت مطابقی بر امر به امر دلالت ندارد اما مدلول الزامی آن به واسطه ترکیب آیه و تقارنی که در آیه وجود دارد یعنی ابتدا مؤمنین را خطاب قرار می‌دهد و سپس به ایمان و اطفال امر می‌کند که در اوقات ثلاثه اذن بگیرند، امر به امر می‌باشد و آیه مربوط به وظایف خانواده می‌شود و مسائل تعلیمی و تربیتی می‌باشد و پیام آیه با توجه به الغاء خصوصیتی که در مباحث قبل اشاره کردیم مخفی بودن و محفوظ بودن مسائل و روابط جنسی و زناشویی از اطفال و دیگران در خانه می‌باشد و این شیوه امر، لطیف‌تر و بلیغ‌تر از این است که مستقیماً و به دلالت مطابقی امر به امر در آیه می‌آمد. حاصل سخن اینکه در اینجا دو تکلیف وجود دارد یکی خطاب به پدر و مادر و زن و شوهر که وظیفه آن‌ها اعلام، ابلاغ و آموزش و تربیت فرزندان برای استیذان می‌باشد و وظیفه فرزندان و عبید و إماء حفظ آن حریم می‌باشد. سر اینکه دو تکلیف در آیه وجود و در آیه تکلیفی هم نسبت به والدین وجود دارد، دلالت اقتضایی و التزامی در آیه و همچنین صوناً عن اللغو می‌باشد چون وجهی غیر از این وجود ندارد که امر به ایمان و اطفال و فرزندان بعد از خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بیاید البته اینکه مقتضای هر دو امر ایجابی است یا خیر؟ جای بحث دارد ولی در هر صورت این آیه مصداقی از بحث اصولی امر به امر می‌باشد.

## بحث پنجم: الزامی بودن یا ترجیحی بودن دو تکلیف فوق

بحث پنجمی که در ذیل این آیه وجود دارد این است که بیان شد مدلول التزامی آیه شریفه امر به امر می‌باشد و دو تکلیف وجود دارد یکی تکلیف متوجه به مؤمنین که بیان شد و دیگری تکلیف متوجه ایمان و اطفال، حال سؤالی که



وجود دارد این است که این دو تکلیف الزامی هستند یا ترجیحی؟ در پاسخ باید گفت اصل بر الزامی بودن هر دوی این تکالیف می‌باشد اما نکاتی وجود دارد که باید بیان شود.

## الزامی بودن تکلیف متوجه به مؤمنین

تکلیف اول یعنی تکلیف موجه به مؤمنین الزامی است چون ولو اینکه امر و خطاب مطابقی نسبت به آن‌ها وجود ندارد اما همان‌طور که بیان شد امر و خطاب به صورت التزامی نسبت به آن‌ها وجود دارد و آن‌ها مکلف هستند که در مقام تعلیم و تربیت اطفال خود را امر به اذن گرفتن کنند چون در غیر این صورت خطاب را متوجه شخصی کردن و دیگری را امر کردن لغو خواهد بود و همچنین وجوه پنج‌گانه‌ای که بر دلالت امر به وجوب در اصول ذکر شد هم شامل امر مطابقی می‌شود و هم شامل امر التزامی می‌شود و تفاوتی بین اینکه امر مطابقی باشد مانند امر «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» / الإسراء / ۷۸ و یا اینکه امر التزامی باشد مانند محل بحث، وجود ندارد و آنچه مهم است، اراده شدید مولای است که هم در امر مطابقی و هم در امر التزامی وجود دارد.

## تفصیل در تکلیف متوجه به ایمان و اطفال

اما نسبت به تکلیف دوم که تکلیف متوجه به عبید و اِماء و اطفال غیر بالغ می‌باشد، امر و تکلیف متوجه به این اشخاص امر صریح و مطابقی است و اصل در امر، بر الزامی بودن آن است اما نکته و مطلبی که در اینجا وجود دارد این است که مکلف در این تکلیف، هم عبید و اِماء است که اطلاق دارد و شامل عبید و اِماء بالغ و غیر بالغ می‌شود و هم مکلف در این تکلیف اطفال غیر بالغ می‌باشد. در مورد عبید و اِماء بالغ و غیر بالغ می‌باشد اما نسبت به عبید و اِماء غیر بالغ و همچنین اطفال غیر بالغ، قرینه عام حاکم بر ظهور امر در وجوب وجود دارد که تکلیف را از صبی تا زمانی که محتمل شود رفع کرده است و آن قرینه حدیث رفع قلم از صبی می‌باشد پس خطاب و تکلیف دوم در حق غیر بالغ الزامی نیست و باید گفت امر و تکلیف دوم امر و خطابی جامع بین وجوب و ندب می‌باشد که در حق بالغین الزامی و وجوبی است و در حق غیر بالغین غیر الزامی است و این استعمال همان‌طور که در اصول گفته شد با قرینه امکان دارد و استعمال لفظ در اکثر از یک معنا نیست



## مبانی در نوع تکالیف غیر الزامی متوجه به اطفال

همان‌طور که بیان شد تکلیف دوم به معنای عام می‌باشد و در عبید و اِمای بالغ الزامی است اما این تکلیف در مورد عبید غیر بالغ و همچنین اطفال غیر بالغ غیر الزامی است اما سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که این تکلیف غیر الزامی در حق غیر بالغین چه نوع تکلیفی است؟ در پاسخ به این سؤال دو مبنا وجود دارد، برخی به‌طور کلی قائل‌اند که صبی غیر بالغ به‌طور کلی تکلیفی ندارد نه الزامی و نه استحبابی بلکه این تکالیف صرفاً به‌منظور تمرین آن‌ها است و هیچ ثوابی هم ندارد اما نظریه دومی اینجا وجود دارد که حدیث رفع قلم تنها الزام را در حق آن‌ها رفع شده است و نمی‌توان آن‌ها را عقاب کرد اما تکالیف در حق صبی ممیز استحباب و ثواب دارد و هیچ‌گونه مانعی هم ندارد حتی عبید نیست که بگوییم استحبابی بودن و ثواب داشتن حتی در حق مجنون هم مانعی ندارد. طبق این نظریه عبادات صبی ممیز مشروعیت دارد و دارای ثواب می‌باشد و تمرینی صرف نیست. به نظر ما عبید نیست که بگوییم مبناى دوم در ست است.